



مریم حاجی عبد الباقی
استادیار و عضو هیأت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال

چکیده

در این نوشتار ابتدا علت نیاز به دعا که:

۱. پاسخ به نیاز فطری انسان به پرستش؛ ۲. دوری از تکبر و خودبینی؛ ۳. تجلی قدرت شگفت انگیز آرزو و اراده انسانی و در دست داشتن کلیدهای خزائن الهی است، بیان شده و سپس به این مهم پرداخته شده که راه مدیریت و کنترل این قدرت اعجاب انگیز و راه تحقق آرزوهای ما چیست؟ که از خدا خودش را بخواهیم و سعادت همه را بخواهیم و تنگ و محدود طلب نکنیم. به دنبال پاسخ به همین سؤال شرایط استجاب دعا مورد بررسی قرار گرفته است.

ابتدا عوامل درونی استجاب و سپس عوامل بیرونی شامل آداب، مکان ها و زمان های نیایش ذکر شده است. در عوامل درونی: اخلاص، دعا به زبان فطرت، معرفت، ایمان و عمل به مقتضای آن، حضور قلب، اضطراب و مانند آن بیان شده و سپس علت تأخیر در استجاب دعا مطرح شده است.

کلید واژه ها: دعا و نیایش، نیاز، آرزو، فطرت، آداب دعا.

علت نیاز به دعا

۱. بروز و شکوفایی فطرت توحیدی انسان

«دعا»، عالی ترین پاسخ به نیاز فطری انسان برای پرستش و نیایش است. انسانی که فطرتاً نیکی را می ستاید و زیبایی را می پسندد، در برابر زیبایی و کمال مطلق از خود بیخود می شود و قلب و زبانش به ستایش مشغول می گردد. فطرت خداجوی انسان نیازمند یک ارتباط قلبی و مستقیم با خداست.

«دعا» اتصال سیم ارتباطی انسان با خداست. خداوند در قرآن می فرماید: و ما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون (ذاریات، ۵۱ / ۵۶)؛ جن و انس را نیافریدم جز اینکه مرا عبادت کنند. نتیجه عبادت ایجاد قرب و ارتباط با خالق و رنگ خالق را به خود گرفتن است: صبغة الله و من أحسن من الله صبغة (بقره، ۲ / ۱۳۸). در روایات آمده است که:

افضل العبادۃ الدعاء؛ با ارزش ترین عبادات، دعا است.^۱

در این نگاه، هدف از دعا، اجابت دعا نیست، بلکه دعا بهانه ارتباط و قرب است. در حقیقت دعا، رابطه حضوری و بی واسطه بین بنده و آفریننده است. دعا و خواندن خدا و خواستن از خدا، تحقق توحید و یگانه دانستن و یکی دیدن خداست. امیرالمؤمنین در نامه ای به فرزندش می فرماید:

خداوند میان تو و خودش، حجاب و حائلی قرار نداده و تو را ناگزیر از مراجعه به

شفیع نساخته است.^۲

۲. تقویت روح تواضع و فروتنی در انسان

مکانیزم دعا، سبب نابودی یا تضعیف کبر و غرور در وجود انسان می شود و انسان خودبین را تبدیل به موجودی خدایین می کند. خداوند در قرآن، دعا نکردن را استکبار و بزرگی طلبی از سوی انسان خوانده است: اُدعونی أُستجب لکم إن الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین (مؤمن، ۴۰ / ۶۰)

۳. تجلی قدرت شگفت انگیز انسان

خداوند برای حفظ و تداوم رابط مستقیم و بی واسطه میان خود و بندگان، اختیار ویژه ای به انسان بخشیده است. آن اختیار ویژه عبارت است از: در اختیار داشتن کلید تمام گنجینه های الهی. شاید بتوان این چنین تعبیر کرد که دعا سیر و سلوک در خود و

تلاش برای بازشناسی خویش و کشف قدرت بی انتهای نهفته در روح انسان است .

الف) داشتن کلید گنج های الهی

در این جهان، همه امور بر طبق قضا و قدر الهی در جریان است. بدون اذن خدا، برگ از درخت نمی افتد و تدبیر تمام امور هستی و گردش کائنات، تحت ربوبیت مطلق خداوند و در ید قدرت اوست. اما خداوند، اراده کرده که بخشی از امور عالم و بسیاری از حوادث و رویدادها، از کانال دعا و خواست انسان به جریان افتد، یعنی دعا خود، بخشی از مقدرات و خود، سببی از سبب هاست و می دانیم که خداوند امور را در سبب ها و علت های مخصوص به خودش در جریان می اندازد: «یأیی الله ان یجری الامور إلا باسبابها». علل و اسباب بر یکدیگر تأثیر داشته، سببی بر سببی مقدم می شود و علتی، مانع تأثیر علتی دیگر می شود. خدایی که هیچ کس در برابر قدرت و اراده او تاب مقاومت ندارد، کلید تمام امور، حوادث، ثروت ها و گنج های خویش را به انسان سپرده و اراده کرده است که انسان اراده و طلب کند تا بسیاری از امور، محقق شود، چنانکه علی (ع) می فرماید: خداوند کلید گنجینه های آسمان و زمین را در اختیار تو نهاده چرا که به تو اجازه

درخواست و دعا داده است. ۳

خدا می فرماید: **أدعونی أستجب لکم؛** مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. و **أجیب دعوة الداع إذا دعان** (بقره/ ۱۸۶) دعوت نیایش گر را، هنگامی که مرا بخواند، اجابت می کنم.

ب) قدرت شگفت انگیز خواست و آرزوی انسان

باید توجه داشت که حقیقت دعا، همان طلب و خواستن و اراده قلبی و فطری انسان است و «زبان» تنها بروز و ظهور آن خواست باطنی و طلب درونی است. امام خمینی (ره) دعا را «درخواست به زبان استعداد» می خواند و معتقد است فیض خداوند کامل و فوق کامل است و اگر فیض ظاهر نمی شود، پذیرنده (قابل)، استعداد و آمادگی پذیرش را ندارد. ۴ به قول معروف، گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحبخانه چیست؟ علامه طباطبایی دعا را درخواست به زبان فطرت می خواند. به بیان روشن تر انسان اگر خواسته ها و آرزوهایش را کنترل و مدیریت کند، هستی به اذن خدا در اختیار او قرار می گیرد. ۵ انسان همواره آرزوها و امیال زیادی در سر می پروراند. آرزوهای بزرگ و کوچکی که خواهان تحقق آن هاست و می توان گفت اگر انسان آرزویی نداشته باشد، حرکت و تکامل و

پیشرفتی هم نخواهد داشت. در بسیاری از افسانه‌ها می‌خوانیم که به کسی معجزه وار، امکان تحقق چند آرزوی معدود داده می‌شود و آن فرد، ناباوارانه آرزوهایی بی‌جا و ناپخته را مطرح می‌کند که معمولاً آخرین آرزوی او، جبران‌کننده تباهی‌های برآمده از تحقق آرزوهای قبلی اوست. اما اینکه هرچه بخواهی به آن می‌رسی، افسانه نیست، بلکه حقیقت مقامی است که به انسان اعطا شده است. اینکه انسان می‌تواند آرزوهایی را با بر زبان آوردن آن‌ها و گذراندن نیت قلبی اش محقق کند، پرده از قدرت خدا داد روح انسان بر می‌دارد. قرآن کریم بهشتیان را، آزاد و بی‌قید در تحقق آرزوهایشان خوانده. و فیها ما تشتهیه الانفس (زخرف، ۴۳ / ۷۱)؛ و در بهشت آنچه جان‌ها بدان میل کنند، فراهم است: ولکم فیها ما تشتهی أنفسکم ولکم فیها ما تدعون (فصلت، ۴۱ / ۳۱)؛ و در بهشت آنچه آرزو کنید و آنچه طلب کنید، برایتان فراهم است. در حقیقت، جهنم و بهشت تحقق آرزوها، نیات و اراده‌های جهنمیان و بهشتیان است. گویی همه آرزوها و خواسته‌های انسان به تحقق می‌پیوندند و فقط کافی است انسان بیاموزد چه چیزی را طلب کند و از چه کسی؟ چه آرزویی داشته باشد و به چه کسی پناه آرد؟

راه تحقق آرزوهای ما چیست؟

حال که دعا، راه تحقق آرزوها و خواسته‌های ماست و به ما آموخته‌اند: «ان العطیه علی قدر النیه». ۶ عطیه و عطای الهی به اندازه نیت و خواست دعاکننده است. قرآن کریم و آموزه‌های معصومین، به انسان می‌آموزند که رعایت نکات زیر برای انسان حاجت طلب و آرزومند، ضروری است:

۱. اخلاص

از آنجا که دعا، رابطه‌ی حضوری و بی‌واسطه‌ی بین بنده و رب اوست، با بریدن از غیر و انابه به سوی پروردگار، روزنه‌ی نفوذ شیطان بسته می‌شود و پیوند خالصانه بین انسان و خدا برقرار می‌شود. چنین حالتی که بدون توجه به غیر و بدون دل بستن به اسباب و علل، فقط و فقط خدا را در نظر دارد، رمز دعا و اجابت آن است: قل ما یعبد بکم ربی لولا دعاءکم (فرقان، ۲۵ / ۷۷)؛ بگو خداوند چه توجهی به شما داشت اگر دعای شما نبود؟! قرآن کریم می‌گوید: اَمَّنْ یجیب المضرَّ إذا دعاه ویكشف السوء (نمل، ۲۷ / ۶۲)؛ آن

کس کیست که دعای مضطر را هنگامی که او را می خواند اجابت می کند و بدی را برطرف می سازد؟ تنها خداست که دادرس دادخواهان و شنوای نجواکنندگان است .
و نیز می گوید : بل ایاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه إن شاء (انعام، ۶ / ۴۱) ؛ بلکه (در مواقع اضطرار) تنها او را می خوانید پس او گرفتاری شما را اگر بخواهد، برطرف می سازد .
که اخلاص در طلب را به انسان گوشزد می کند .

۲ . خواست فطری

انسان باید بداند چه آرزوهایی در سر می پروراند و طالب چه چیزهایی است ، آرزوهایی که نابودی خویش ، یا دیگران یا بشریت را به بار می آورد ، شایان برآورده شدن نیست و فطرت هیچ انسانی خواهان تحقق آن نیست ، اگرچه آن را به زبان آورد . در حقیقت انسان شرور و بدخواه ، در وهله اول ، به جنگ با فطرت خویش پرداخته و تیشه به ریشه خویش می زند . انسان باید چیزی را طلب کند که خواسته فطری و انسانی او باشد و تحت تأثیر احساسات ، منافع زودگذر مادی و جهالت ، اصرار بر برآورده شدن حاجات غیر منطقی یا ناممکن نداشته باشد . مواردی از این طلب های بی جا را در قرآن کریم پی می گیریم :

الف) و یدع الانسان بالشر دعائه بالخیر وکان الانسان عجولاً (اسراء، ۱۶ / ۱۱) ؛ و انسان آن گونه که خیر را می خواند ، شر را می طلبد و انسان شتاب گر است .

ب) یا نوح إینه لیس من أهلك إینه عمل غیر صالح فلا تسئلن ما لیس لک به علم إئی أعظک أن تکون من الجاهلین (هود، ۱۱ / ۴۶) ؛ ای نوح او از اهل تو نیست . او عملی غیر صالح است پس چیزی را که بدان علم نداری ، نخواه . من تو را پند می دهم که از جاهلین نباشی !

ج) ما کان للنبیّ والذین آمنوا أن یستغفروا للمشرکین ولو کانوا أولى قریبی من بعد ما تبین لهم أنهم أصحاب الجحیم (توبه، ۹ / ۱۱۳) ؛ سزاوار نیست که پیامبر و مسلمانان برای مشرکین (پس از آنکه بر ایشان روشن شد که آنان جهنمی هستند) طلب آمرزش کنند ، اگرچه خویشاوندان آنان باشند .

د) رب ارجعون . لعلی أعمل صالحاً فیما ترکت کلاً إنها کلمة هو قائلها (مؤمنون، ۲۳ / ۹۹ و ۱۰۰) ؛ خدایا مرا برگردان ، شاید بتوانم در آنچه را نهادم ، کار نیکی انجام دهم . هرگز ، این تنها سخنی است که او گوینده آن است ...

ه) وقال الذین فی النار لخرزنة جهنم ادعوا ربکم یخفف عنا یوماً من العذاب قالوا

فَادْعُوا وَمَا دَعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر، ۴۰/۴۹ و ۵۰) و آنان که در آتش اند به دوزخیان می گویند، از پروردگارتان بخواهید یک روز از عذاب ما را کاهش دهد... می گویند: دعا کنید. دعای کافران جز در ضلالت نخواهد بود، خواسته های ما نباید از محالات عقلی باشد. دعاها حرام یا غیر ممکن، مخالف با مقتضای فطرت است. مثلاً اگر همه افراد مستجات الدعوه در جهان از خدا بخواهند که بشر را امتحان نکند، این دعایی نامستجاب است بلکه می توان طلب کرد که خداوند از بشر امتحان سخت نگیرد.

۳. کنترل قدرت

انسان باید بر این قدرت خارق العاده خدادادی در وجود خویش، آگاهی یافته و آن را کنترل و مدیریت نماید. البته (آگاهی بخشی و هدایت نسبت به این استعداد را معارف دینی به عهده گرفته اند) هر چیزی را نخواهد و با خواسته های نادرست، خود را به دردسر نیندازد. انسان باید بداند کلید گنجینه چه کسی در دست اوست و چگونه باید از آن بهره گیرد، نه اینکه مانند یک طفل خردسال که از گنجینه ارزشمند برای بازی یا لجبازی استفاده می کند، بوالهوسانه، فرصت های استثنایی خویش را تباه نماید: عسی أن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی أن تحبوا شیئا و هو شر لکم (بقره، ۲/۲۱۶).

محتوای دعا

با این مقدمه، ضروری است بدانیم که چه دعاهایی را باید به قلب راه داده، بر زبان جاری سازیم.

۱. از خدا، خودش را طلب کنیم: فطرت همه ما انسان ها، آرزومند لقاء حق است. بسیاری از تلاش ها و نا آرامی های ما برای آرام کردن تلاطم درونی هجران اوست. خدا بی انتها و لا یتناهی است و انسان که خلیفه اوست را، بی نهایت طلب آفریده است، تا صاحب خیر شود و به دیدار او نائل گردد. و خود در قرآن می فرماید: أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ (مؤمن، ۴۰/۶۰)؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. و نیز می گوید: إِذَا سَأَلْتُمْ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ؛ (بقره/ ۱۸۶) من نزدیکم و اجابت می کنم. نحن أقرب إليه من حبل الوريد؛ (ق، ۵۰/۱۶) از رگ گردن به او نزدیکتریم. و لقاء الهی آرزوی مؤمنان معرفی می شود: (کهف، ۱۸/۱۱۰)

۲. از خدا، چیزهایی ماندگار طلب کنیم و تنگ و محدود نخواهیم: همتمان متوجه

بلندی ها و ماندگاری ها باشد، نه امور پست و زودگذر. قرآن دعای موسی (ع) وقتی از خدا رزق و روزی و شغل و سرپناه می طلبد را با عبارت: رب إني لما أنزلت إلی من خیر فقیر (قصص، ۲۸ / ۲۴)؛ خدایا من به هر چیزی که تو به من نازل کنی، محتاجم. بیان می دارد. امیر المؤمنین (ع) در وصیت به فرزندش موارد خاص دعا را، چنین نام می برد: عمر طولانی، تندرستی بدن، گشایش در روزی.^۷

۳. برای همه دعا کنیم: انسانی که به این درک نائل می شود که سرنوشت او با سرنوشت همه انسان ها در همه اعصار و همه موجودات هستی، گره خورده است و او جزئی از کل هستی است که در منظومه آفرینش شناور است و به سمت کمال در حرکت، نمی تواند بی تفاوت به دیگران، صرفاً برای خود، دعا کند. قرآن بهترین آموزگار آموزش دعاها جمع می است. در فاتحه الكتاب که اولین سوره قرآن کریم و شعار عبادت هر روزی مسلمین است، اهدنا الصراط المستقیم؛ ما را به راه راست هدایت فرما، آمده است.

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفرنا عنا سئآتنا و توفنا مع الابرار (آل عمران، ۳ / ۱۹۳)

ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیامة (آل عمران / ۱۹۴)

و موارد متعدد دیگر که مجموعاً بیش از ۷۰ مورد خطاب «ربنا» برای دعا در آیات قرآن به چشم می خورد که در مقایسه با خطاب «رب» ۱۰ مورد بیش تر است. و انسان پس از آگاهی نسبت به هویت جمعی خویش، برای تحقق سعادت نوع انسان و همه انسان ها دعا می نماید.

ب) برای فرج امام زمان دعا کنیم:

در حقیقت دعا برای تحقق کامل سعادت انسان (اعم از سعادت فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، دنیوی و اخروی)، که همان دعا برای تحقق سعادت انسان کامل است، اصلی ترین دعای انسان است. زمانی انسان به سعادت کامل می رسد که هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی «همه ابعاد کمال و خوشبختی» حاکمیت یابد و این هم تحقق جامعه امام زمانی و ظهور واقعی و جامع اسلام است. دعا برای فرج، دعا برای سعادت خود انسان، نوع انسان و جامعه انسانی است. در روایات داریم که: «انتظار الفرج عباده».^۸ و نیز وارد شده است: «افضل العبادة انتظار الفرج»^۹ و یا زیاد برای ما دعا کنید که فرج و گشایش امور شما در آن است.^{۱۰}

۴. تعادل بین خواسته ها و آرزوهای مادی را رعایت نمائیم: از آنجا که دنیا مزرعه آخرت است، ربنا آتنا فی الدنيا حسنه (بقره، ۲ / ۲۰۱)؛ مقدمه و لازمه «وفی الاخره حسنه» است پس همان طور که در خود قرآن، توازن بین خواسته های مادی و معنوی حفظ شده است. (۷۸ مورد دعای مادی و ۷۸ مورد دعای معنوی).^{۱۱} ما نیز چنین تعادلی را در نظر داشته باشیم. و لا تجعل الدنيا أكبر همنا و مبلغ علمنا: و دنیا را بزرگترین وجهه ی همت ما و دور برد علم ما قرار نده. ^{۱۲}

۵. آمرزش طلبی: در قرآن لا اقل ۵۵ مورد درباره «استغفار» صحبت شده یا به صورت بیان استغفار مؤمنان یا به صورت دستور برای طلب آمرزش که نشان دهنده اهمیت این دعا در بین دیگر ادعیه و سرنوشت سازی آن است، مخصوصاً که در آیه ۱۱۳ سوره توبه، استغفار برای مشرکین ممنوع اعلام شده است.

۶. عافیت طلبی: از رسول اکرم (ص) سؤال می شود که در شب قدر با توجه به سرنوشت ساز بودن این شب، چه طلب کنیم؟ حضرت می فرماید: «عافیت» دعای انتهای سوره بقره: ربنا لا تواخذنا ان نسينا او اخطانا...، تا آخر آیه (بقره / ۲۸۶) اهمیت عافیت طلبی را نشان می دهد. عافیت طلبی هم ناظر به عفو، گذشت، صلح و صفا است و هم ناظر به گذشتن از امتحانات و ابتلائات سخت.

شرایط استجاب دعا

می توان شرایط استجاب دعا را به صورت زیر دسته بندی کرد:
شرایط استجاب دعا: ۱. عوامل فردی و درونی دعا. ۲. عوامل بیرونی استجاب دعا: الف) آداب دعا؛ ب) مکان های دعا؛ ج) زمان های دعا.

عوامل درونی استجاب دعا

اصلی ترین شرایط استجاب دعا، همان است که در بحث ابتدایی ذکر شد:
۱) اخلاص؛ ۲) دعا به زبان فطرت؛
شرایط تکمیل کننده ای نیز وجود دارد که در قرآن و سنت به آن ها توجه شده که البته همه آن ها ریشه در دو شرط اصلی دارد؛ ۳) معرفت: هر قدر که شناخت نیایشگر از

توحید و قدرت لایزال الهی بر تقدیرات هستی و معرفت او از رحمت و لطف بیکران خداوندی بیشتر باشد، دعا و راز و نیاز او با خالق، مؤثرتر است.

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فآكتبنا مع الشاهدين... فآتابهم الله بما قالوا جنات تجري من تحتها الأنهار... (مائده، ۸۳/۵ و ۸۵)؛ و هنگامی که آنچه به رسول نازل می شود را می شنوند، می بینی که چشمانشان از اشک پر می شود از آنچه از حق می شناسند. می گویند پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ما را در زمره شاهدان محسوب فرما... پس خداوند به پاداش آنچه گفتند بهشت هایی که از زیر آن نهلهایی جاری است، نصیبشان ساخت.

در روایتی از امام کاظم (ع) چنین آمده است که:

گروهی به امام صادق (ع) گفتند: چرا دعا می کنیم وقتی مستجاب نمی شود؟ امام فرمود: چون کسی را می خوانید که او را نمی شناسید. ۱۳

مردی نزد امیر المؤمنین آمد و گفت: من خدا را می خوانم ولی اجابتی نمی بینم. حضرت فرمود: خدا را به غیر صفات شایان او وصف نمودی. دعا چهار خصلت دارد: اخلاص درونی، حضور نیت و قلب، معرفت و شناخت وسیله، انصاف در مسأله. آیا درحالی که به این ۴ امر عارف هستی، خدا را خواندی؟ گفت: نه. فرمود: پس آن ها را بشناس. ۱۴

از نتایج چنین معرفتی، موارد ذیل است:

الف) یقین داشتن به اجابت (حسن ظن به خدا)

از عواملی که دعا را بر می گرداند، انکار اجابت دعاست: ترک التصدیق بالاجابه. ۱۵
ولا تياسوا من روح الله إنه لا يياس من روح الله إلا القوم الكافرون (یوسف، ۱۲ / ۸۷)؛ از رحمت خداوند نا امید نشوید که جز کافران کسی از رحمت خدا نا امید نمی گردد.

ب) کوچک نشماردن نیازها و حوائج حتی کوچکترین آنها
امام باقر (ع) می فرماید:

لا تحقروا صغیراً من حوائجکم فان احب المؤمنین الى الله اسئلهم ۱۶؛ حتی نیازهای کوچک خویش را نیز کوچک شمارید و از خدا طلب کنید، محبوب ترین مؤمنین نزد خدا، نیاز خواه ترین آن ها است.

ج) بزرگ نشمردن مطلوب نزد خداوند

در دعای عالیہ المضامین در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی آمده است :

اللهم هذه حاجاتي عندك و قد استكثرتها للومي و شحي و هي عندك صغيرة حقيره و عليك سهله يسره ؛ خدایا اینها نیازهای من به پیشگاه تو است و من به دلیل پستی و تنگی ام آن‌ها را بسیار می‌پندارم ولی در نزد تو کوچک و اندک و اجابت آن بر تو آسان و ساده است .

۴ . ایمان و عمل به مقتضای ایمان (وفا به لوازم ایمان) :

قرآن به روشنی تصریح می‌کند که : **يستجيب الذين آمنوا و عملوا الصالحات و يزيدهم من فضله...** (شوری، ۴۲ / ۲۶) ؛ و درخواست کسانی را که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند ، اجابت می‌کند و از فضل خویش بر آنان می‌افزاید....

هر قدر ایمان و عمل صالح نیاشگر ، بیشتر باشد ، در دایره وسیع تری از اجابت الهی قرار می‌گیرد . خداوند به بنی اسرائیل می‌فرماید : **أوفوا بعهدی أوف بعهدکم** (بقره / ۴۰) ؛ به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا نمایم . عمل صالح شامل موارد بسیاری می‌شود ولی آنچه در برخی روایات دعا بر آن تأکید شده ، موارد ذیل است : الف) بر عهده نداشتن حق الناس ؛ ب) روزی پاک ؛ ج) دوری از گناه .

در مواعظه خداوند به عیسی (ع) آمده است : به ستمگران بنی اسرائیل بگو ، در حالی که رباخواری ، شیوه شماست و بتها در خانه تان ، مرا نخوانید . چرا که هر کس که مرا بخواند ، پاسخ می‌دهم و در چنین شرایطی پاسخ من به آنان ، لعنت آنان خواهد بود .^{۱۷} از پیامبر نقل شده است که :

اطب کسبک ، يستجاب دعوتک و... ؛ راه کسب را پاک کن ، دعایت مستجاب می‌شود . انسانی لقمه حرامی را به سوی دهانش می‌برد و تا ۴۰ روز دعایش مستجاب نمی‌شود .^{۱۸}

مسلماناً گناه قلب را سخت و سنگین می‌کند و هر چند گناه بیشتر و سنگین تر و مداوم تر باشد ، قلب قسی تر و آلوده تر می‌شود و امکان فراهم آمدن رقت قلب و ترس و خشوع و شکستگی و معرفت حق برایش کمتر می‌شود . ضمن اینکه آنان که همیشه جانب فرامین و اوامر و نواهی الهی را نگه می‌دارند ، مسلماً خدای متعال هم جانب آرزوها و خواسته‌های

آنان را نگه می دارد. و درباره گناه روایتی داریم که: «گاه بنده گناهی می کند که خداوند به عزت و جلالش قسم می خورد که دیگر به او نظر نکند». اینکه همیشه سفارش می شود سعی کنید در جمع دعا کنید، برای حرمت حضور افرادی پاک و صاحب نفس است که چون در پیشگاه الهی محترم و مستجاب الدعوه هستند، امید است دعای ما نیز در کنار دعای آنان بالا رود یا مشمول استجابت دعای آنان شویم.

از امام باقر(ع) نقل شده است که:

یک بنده حاجتی را می طلبد که شأن امر، قضای حاجت اوست به زودی یا با تأخیر ولی گناهی مرتکب می شود و خداوند به فرشته دستور می دهد که دعایش را اجابت نکن و محرومش سازد که خود را در معرض خشم من قرار داد و موجب بی بهرگی و محرومیت خویش شد.^{۱۹}

۵. قلب پاک و صاف:

الف) خوش بینی: خیر خواه دیگران بودن، دلسوزی و مهر نسبت به مردم و از ته دل آرزوی سعادت مردم را داشتن، از دو جهت در استجابت دعا، تأثیر دارد. از سویی قلب مهربان و ناصح و دلسوز، آمادگی، رقت و نرمی بیشتری دارد و برای جلب رحمت الهی، موفق تر است. و از دیگر سو طبق قانون عمل و عکس العمل، کسی که در دل خواهان رسیدن خیر و خوبی به دیگران است، به مقتضای عدالت الهی، به خودش همان خیر و خوبی یا بهتر از آن می رسد.

امام سجاده(ع) سوء نیت را از موانع استجابت دعا می خواند.^{۲۰}

ب) زبان صادق و پاک: امام سجاده(ع) ضمن گناهانی که مانع استجابت دعا می شود، نفاق و دورویی با برادران دینی را نام می برد. و بد دهنی و سخنان زشت رکیک بر زبان آوردن، موجب حرمان از استجابت دعا می شود. کسی که دل و زبانش یکی است و صادق و روراست است، در معرض اجابت قرار دارد.

ج) قلب کم گناه: قلب پاک که گرد گناه کمی بر روی آن نشسته، آمادگی کامل ارتباط با پاکی مطلق و طلب خوبی را دارد. نفس پاک، مقدس است و دعایش مستجاب.

د) حضور قلب: هر چند که حاجت در نزد ما مهم تر باشد و هر چقدر که بیشتر عظمت صاحب نعمت را در نظر بیاوریم، حضور قلب ما بیشتر می شود. در روایتی از

امام صادق(ع) آمده است که: هرگاه خواستی خدا را بخوانی، توجه قلبی داشته باش. ۲۱ و قال رسول الله(ص): «لا يقبل الله دعاء قلب ساه». ۲۲

ه) رقت قلب و اشک لرزان:

إذ ارق إحدكم فليدع فان القلب يرق حتى يخلص ۲۳؛ هرگاه دل یکی از شما نرم شد، آنگاه باید دعا کند چرا که قلب تا خالص نشود، نرم و نازک نمی شود.

از امام صادق(ع) نقل است که:

إذا اقشعر جلدك و دمعت عيناك و وجل قلبك فدونك دونك فقد قصد قصدك ۲۴؛ آنگاه که پوستت لرزید و اشکت جاری شد و قلبت تکان خورد، مراقب باش که آن استجاب دعا فرا رسیده و حاجت خود را می گیری.

و) اضطرار: اضطرار شاید اصلی ترین عامل برای بریدن دل از دیگران و انحصار همه توجهات و طلب ها به سوی حضرت حق است. خدا وقتی می خواهد حاجت بنده ای را بدهد او را در شرایطی قرار می دهد که کاملاً مضطر شود و از غیر حق قطع امید کند و احساس درماندگی کامل کند.

در قرآن می خوانیم که: أمن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء (نمل، ۲۷ / ۶۲)؛ آیا کیست که مضطر و درمانده را آنگاه که فقط او را می خواند اجابت می کند و بدی را برطرف می نماید؟

امام صادق(ع) می فرماید:

وقتی یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب گردد، لازم است از تمام مردم منقطع و مأیوس گردد و غیر از خدا به کسی نظر نداشته باشد. وقتی خدا چنین حالی را در بنده ببیند، دعای او به اجابت خواهد رسید. ۲۵

عوامل بیرونی استجاب دعا

آداب دعا

هر کاری ادب و روش ویژه خود را دارد. دعا در محضر پروردگار هم از این قاعده مستثنی نیست. قرآن کریم ادب دعا را از زبان انبیاء به خوبی به ما می آموزد. از جمله در سوره شعراء آیات ۷۸ تا ۸۹ وقتی دعاهای حضرت ابراهیم نقل می شود، چنین ادبی به

خوبی مشاهده می شود:

۱. ابتدا زمینه سازی مناسب برای دعا انجام می شود. خدا با صفات ربوبی اش، ستوده می شود.

الف) جالب است که اطعام و سقایه به خدا نسبت داده می شود اما ابراهیم(ع) بیماری را به خود نسبت می دهد و شفا را به خداوند: و الذی هو یطعمنی و یسقین و إذا مرضت فهو یشفین. ب) قبل از دعا کردن آرزوی خود را بلند به زبان می آورد و به خدا ارتباط می دهد: و الذی أطمع أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین؛ کسی که طمع دارم خطای مرا در روز قیامت بپارزد. جالب اینکه از کلمه طمع بهره گرفته، یعنی من خود را محق بخشش نمی دانم، بلکه فقط آرزومند چنین امری هستم.

۲. بعد از زمینه سازی مناسب و حمد و ستایش، تقاضاهایش را از خدا طلب می کند. در سوره یوسف هم، یوسف قبل از مطرح کردن تقاضاهایش (توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین) ابتدا شکر نعمات الهی درباره خودش را مطرح می سازد: رب قد آتیننی من الملک و علمتنی من تأویل الأحادیث فاطر السموات و الأرض أنت ولی فی الدنیا و الآخره؛ (یوسف، ۱۲/۱۰۱). در سوره هود، نوح مستقیماً طلب نمی کند که خدایا پسرم را نجات بده و به من برگردان! بلکه به طور غیر مستقیم و با احتیاط می گوید: پسرم از اهل من است و وعده تو (در نجات اهل من) حق است و تو بهترین حکم کنندگان هستی! (هود، ۱۱/۴۵)

۳. با تضرع و پنهانی دعا کردن: أدعوا ربکم تضرعاً و خفیه و دون الجهر من القول. (اعراف، ۷/۲۰۵)

۴. استمرار در دعا: بالغدو والاصال (اعراف/۲۰۵)

دعاهای معتبر و معروف مثل دعای کمیل و دعای صباح و مانند آن هم می توانند به بهترین نحوی ادب دعا کردن را به ما بیاموزند.

مجموعاً از قرآن و روایات و سیره معصومین می آموزیم که ادب دعا چنین است. ۲۶

الف) مقدمات مستحب دعا

۱. طهارت و پاکیزگی، تطهیر از آلودگی ها، غسل و وضو به عنوان مقدمات دعا (مقدمات مستحبات دعا).

۲. قرار گرفتن رو به قبله، به جا آوردن دو رکعت نماز.

ب) آداب دعا کردن

۳. با «بسم الله الرحمن الرحيم» دعا را آغاز کند. ۴. ذکر عظمت خداوند. ۵. یادآوری گناهان و توبه. ۶. صلوات بر محمد و آل محمد در ابتدا و انتهای درخواست. ۷. شفیع طلبی نیکان.

برخی آداب دیگر:

۱. دعا در خفاء و پنهانی. ۲. دعای دسته جمعی. ۳. عدم استعجال و شتابگر نبودن. ۴. الحاح و اصرار و فزونی در دعا. ۵. حسن نیت نسبت به اجابت دعا.

مکان های مناسب دعا

۱. مسجد: فی بیوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والاصال (نور، ۲۴ / ۳۶)؛ کعبه (مسجد الحرام)، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد الاقصی و دیگر مساجد.

۲. زیارتگاه ها و حرم های شریف ائمه اطهار و امام زاده ها.

۳. مشهد بندگان خدا: محل شهادت شهدا.

۴. صحرای عرفه در روز عرفه.

اوقات مناسب دعا

۱. سحرگاه: والمستغفرین بالأسحار. (آل عمران، ۳ / ۱۷). ۲. هنگام بارش باران.
۳. هنگام ظهور معجزه: وإن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم (مائده، ۵ / ۱۰۱). ۴. بعد از هر نماز واجب. ۵. بعد از ختم قرآن. ۶. بعد از افطار. ۷. در قنوت نماز وتر. ۸. شب های جمعه. ۹. زمان های خاص مثل شب های قدر، روز عرفه، روزهای عید و مانند آن.

علل تأخیر استجاب

فرهنگ قرآنی به ما می آموزد که دعا و اجابت دعا توأم و ملازم هستند. موارد ظهور این ملازمت در قرآن کریم بسیار زیاد است از جمله:

۱. هنا لك دعا ذكر يا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة إنك سميع الدعاء فنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن الله ييشرك بيحيى. (آل عمران / ۳۸ و ۳۹)
۲. ربنا وآتانا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم ربهم أني لا أضيع عمل عامل منكم من ذكر أو أنثى. (آل عمران / ۱۹۵ و ۱۹۴)

۳. قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء... قال الله إني منزلها عليكم... (مائده / ۱۱۴ و ۱۱۵)

۴. رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له. (قصص، ۲۸ / ۱۶)

۵. وقال موسى ربنا إنك آتيت فرعون و ملائته زينة و أموالا في الحياة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على أموالهم و اشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الاليم. قال قد أجيت دعوتكما فاستقيما. (يونس، ۸۸ و ۸۹)

۶. ونوحاً إذ نادى من قبل فاستجبنا له فنجيناه وأهله من الكرب العظيم. (انبيا، ۲۱ / ۷۶)

۷. و أيوب إذ نادى ربه أني مسنى الضر و أنت أرحم الراحمين فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر (انبيا / ۸۳ و ۸۴) و نیز آیات ۸۷ تا ۹۰ از همین سوره.

حتی وقتی فرعون به دروغ در آخرین لحظات عمر خویش و هنگامی که عذاب الهی را فرود آمده بر سر خویش می بیند ابراز ایمان می کند، قرآن بیان می کند که بدان او را نجات می دهیم (یعنی ایمان ظاهری و زبانی، منجر به نجات بدن و ظاهر او می شود و اگر ایمانش حقیقی و قلبی بود، منجر به نجات واقعی او می شد).

یاد در دعای نوح، وقتی قرار نیست پسر نوح جزء نجات یا بندگان باشد، جمله نوح به صورت دعایی و مستقیم ادا نمی شود، بلکه طلب به صورت کنایه ای در آن است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: کسی که ۴ چیز به او داده شود، ۴ چیز دیگر هم به او داده خواهد شد:

۱. کسی که ذکر و یاد خدا به او داده شود، خدا هم او را یاد می کند: فاذکرونی أذکرکم. (بقره، ۲ / ۱۵۲)

۲. کسی که توفیق دعا به او داده شود، اجابت هم به او داده خواهد شد: أذعونی أستجب لکم. (غافر، ۴۰ / ۶۰)

۳. کسی که شکر به او داده شود، فزونی نعمت هم به او داده خواهد شد: لئن شکرتم لأزیدنکم. (ابراهیم، ۱۴ / ۷)

۴. کسی که به او استغفار داده شود، آمرزش هم به او داده خواهد شد: إستغفروا ربکم إنه کان غفاراً. (نوح، ۷۱ / ۱۰)

حال که چنین ارتباط تنگاتنگ و تخلف ناپذیری بین دعای حقیقی (با شرایطی که قبلاً

ذکر شد) و استجاب آن وجود دارد پس چرا گاهی دعا می کنیم و مستجاب نمی شود؟
 علل تأخیر استجاب دعا را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:
 افزودن بر طلب و آرزوی طالب (بخشش به اندازه سؤال است).^{۲۷}
 الف) گاه اجابت دعای انسان به تأخیر می افتد چرا که او هنوز حقیقتاً و با تمام وجود
 این خواسته را طلب نکرده، تأخیر دعا سبب می شود بر تشنگی و نیاز و طلب او افزوده
 شود و او دچار اضطراب و ابتهال برای به دست آوردن حاجتش شود.
 آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوید آب از بالا و پست
 خداوند به عیسی (ع) می فرماید: یا عیسی مرا بخوان مانند دعای یک غریق حزین که
 هیچ فریادرسی ندارد...^{۲۸}

ب) گاه تأخیر استجاب و طول کشیدن آن، سبب اجر بیشتر برای دعا کننده و نزدیکی
 و قرب بیشتر او به خدا می شود.^{۲۹} در روایاتی وارد شده که گاه بنده ای دعا می کند و خدا
 به فرشته ها دستور می دهد که حاجتش را می دهم ولی نگه دارید چرا که دوست دارم
 صدایش را بشنوم و گاه بنده ای دعا می کند و خدا می گوید: زود حاجتش را بدهید که از
 صدایش متنفرم.^{۳۰}

ج) اعطای بهتر از آن درآینده نزدیک.^{۳۱}
 د) ذخیره آخرت (اعطای بهتر از آن در آینده آجل).^{۳۲}
 هـ) صلاح بنده نیست و هلاک دین یا دنیای او در آن است.^{۳۳}
 اگر چنین شد، در ازای زجر و سختی و دل شکستگی که بنده در مدت اصرار بر دعا
 داشته، اجر و مزدی می برد که راضی می شود یا بلائی و گرفتاری بدتری از او دفع می شود.

موانع اجابت دعا

امام سجاده (ع) می فرماید:

والذنوب التي ترد الدعاء؛ سوء النية - خبث السريرة - والنفاق مع الاخوان، ترك التصديق
 بالاجابة، تأخير الصلاة المفروضة حتى تذهب اوقاتها، ترك التقرب الى الله بالبر
 والصدقة، واستعمال البذاء والفحش في القول؛ گناهانی که دعا را بر می گرداند و مانع
 اجابت آن می شود: ۱. سوء نیت، ۲. ناپاکی درونی، ۳. دورویی با همکیشان، ۴. ترک

باور اجابت دعا، ۵. تأخیر نماز واجب تا قضا شود. ۶. ترک تقرب به خدای متعال از طریق اعمال نیک و صدقه، ۷. به زبان آوردن سخنان زشت و رکیک. علاوه بر موارد مذکور، در روایات، «گناه» و البته گناهی که سخط و خشم الهی را موجب شود، جزء موانع نامیده شده از جمله: ظلم، حرام خواری، کسب حرام، در این بین نام برده شده است.

دعای چه کسانی مستجاب نمی شود

۱. کسی که طلب روزی می کند بدون اینکه برای آن زحمت بکشد. (تنبیل و بی همت)
۲. مردی که رهایی از دست زنش را طلب می کند، درحالی که می تواند او را طلاق دهد.
۳. کسی که مالش را تباه می کند و اسراف می ورزد و از خدا روزی می طلبد. (مسرف)
۴. انسانی که مالش را بدون مدرک و شاهد قرض می دهد و طلب بازپس گیری آن را دارد. ۳۴

دعاهای نامستجاب

۱. آمرزش خواهی برای مبتلایان به شرک و ما فوق شرک (کفر، فجور، انکار، نفاق، عداوت) (سوره توبه / آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ - سوره نساء / آیه ۴۸ - نساء / ۱۱۶) خداوند در قرآن صریحاً فرمان می دهد که مؤمنین سزاوار نیست مشرکین گرچه فامیل آنان باشد، آمرزش بطلبند.
۲. دعاهایی که بر خلاف حکمت الهی و بر خلاف مصلحت بندگان باشد. مثل دعاهایی که تغییر سنت های لا یتغیر الهی را طلب کند. در حالی که قرآن می گوید: فلن تجد لسنة الله تبديلاً ولن تجد لسنة الله تحويلاً. (فاطر، ۳۵ / ۴۳)

۳. دعایی که از ته دل نباشد و فقط بر زبان جاری شود.

۴. استعجال در دعا، سبب منع اجابتش می شود.

۵. دعای افراد در جامعه ای که امر به معروف و نهی از منکر تعطیل است. ۳۵

۶. دعای دوست بر علیه دوست و نفرین متقابل دو مؤمن. ۳۶

۷. دعای کسی که به ظالم در راهش کمک می کند. ۳۷

۸. دعای کسی که به مقتضای معرفت و ایمانش عمل نمی کند.

دعای چه کسانی به طور خاص مستجاب می شود؟

۱. دعای مریض در حق عیادت کننده.

۲. دعای والدین برای فرزندان (وقتی فرزند به آنان نیکی کند) و نیز نفرین او. ۳۸

۳. دعای فرزندان برای والدین . ۳۹
۴. دعای طفل بی گناه . ۴۰
۵. دعای مظلوم بر علیه ظالم (نفرین) . ۴۱
۶. دعای مخفیانه برادر مؤمن در حق برادرش . ۴۲
۷. دعای امام عادل . ۴۳
۸. دعای کسی که به قومی خوبی و نیکی کند و از او تشکر نکنند و او ایشان را نفرین کند . ۴۴

۱. کلینی، کافی، فصل دعا / ۲۱۰
۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
۳. همان .
۴. امام خمینی، شرح دعای سحر / ۱۲ .
۵. علامه طباطبائی، المیزان، ۲ / ۳۴ .
۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
۷. همان .
۸. طوسی، امالی / ۴۰۵؛ کشف الغمه، ۲ / ۱۰۱ .
۹. صدوق، اکمال الدین و تمام النعمه، ۱ / ۲۸۷ .
۱۰. طبرسی، احتجاج، ۲ / ۲۸۴ .
۱۱. علی باقری فر، پژوهشی در نیایش های قرآن کریم / ۳۵۸
۱۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای ماه شعبان .
۱۳. مجلسی، بحار الانوار، ۹۳ / ۳۶۸ .
۱۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۳ / ۲۷۷ .
۱۵. صدوق، معانی الاخبار / ۲۷۰ .
۱۶. بحار الانوار، ۹۳ / ۳۴۶ .
۱۷. همان / ۳۷۳ .
۱۸. همان .
۱۹. میزان الحکمه، ۳ / ۲۵۸ .
۲۰. معانی الاخبار / ۲۷۰ .
۲۱. علامه حلی، عده الداعی / ۱۸۰ .
۲۲. بحار الانوار، ۷۷ / ۵۷ .
۲۳. کافی، ۴ / ۲۸ .
۲۴. بحار الانوار، ۹۳ / ۳۴۴ .
۲۵. مصباح الشریعه / ۷۸ .
۲۶. ر. ک: کافی جلد ۴، کتاب الدعاء و وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ابواب الدعاء .
۲۷. نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
۲۸. بحار الانوار، ۹۳ / ۳۱۴ .
۲۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
۳۰. کافی، ۲ / ۴۸۸ .
۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
۳۲. همان .
۳۳. همان .
۳۴. بحار الانوار، ۹۶ / ۱۶۴ .
۳۵. میزان الحکمه، ۶ / ۲۶۴، ح ۱۲۴۲۷ .
۳۶. بحار الانوار، ۹۳ / ۳۱۹ .
۳۷. همان .
۳۸. همان، ۷۴ / ۷۲ .
۳۹. همان، ۷۷ / ۴۲۱ .
۴۰. همان، ۹۳ / ۳۵۷ .
۴۱. همان، ۷۷ / ۴۷ و ۷۸ / ۲۱۷ .
۴۲. همان .
۴۳. همان .
۴۴. همان، ۹۳ / ۳۴۹ .